

عوامل، دلایل و دیدگاه تفسیر رشد دارایی شرکتها

دکتر محمدرضا مهربان پور^۱

حیدر ربیعی^۲

چکیده:

در برخی مواقع اهداف مدیریت با اهداف سهامداران در تضاد واقع می‌شود، بر همین اساس رفتار، سیاست، و عملکرد مدیریت ممکن است به زیان و یا ضرر سازمان منجر شود. با توجه به تئوری نمایندگی دیده می‌شود، رشد دارایی‌ها از توسعه طلبی مدیریت نشأت گیرد، و انتخاب سرمایه‌گذاری هر چند از لحاظ افزایش حجم دارایی‌ها متناسب با اهداف سهامداران باشد، اما ممکن است در سال‌های بعد به زیان و ورشکستگی شرکت‌ها منجر شود.

نسبت رشد دارایی شرکت‌ها، یک معیار مورد توجه استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی تعریف می‌شود. از همین رو، حسابداران و شاغلان در حرفه حسابداری باید به این معیار توجه نمایند. به دلایل و عوامل ایجادکننده رشد در دارایی‌ها توجه و مورد بحث و مطالعه شود. با شناخت عواملی که بر رشد دارایی‌ها تاثیر می‌گذارند، به استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری و گزارش‌های مالی در تصمیم‌گیری بهتر می‌توان کمک کرد.

کلید واژه‌ها:

رشد دارایی، دیدگاه اقتصادی، چرخه عمر، مدیریت منابع

^۱ دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

^۲ استاد دانشگاه تهران و مشاور ارشد استراتژی مالی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری

مقدمه:

با نگاه مختصری به تاریخچه رشد شرکت‌ها^۱ می‌توان به عوامل افزایش ثروت سهامداران را پی برد. از عوامل رشد و افزایش ثروت سهامداران^۲، می‌توان به اندازه دارایی‌ها^۳، منابع مالی^۴ و سرمایه سهامداران و سیاست و برنامه‌ریزی مدیریت اشاره کرد. رشد دارایی‌ها^۵ یک شاخص مهم و قابل توجه استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری و مالی می‌باشد. استفاده‌کنندگان درون‌سازمانی^۶ و همچنین برون‌سازمانی^۷ به یک اندازه به نسبت رشد دارایی‌های شرکت‌ها توجه دارند. استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی مانند سرمایه‌گذاران^۸، سهامداران و اعتباردهندگان و همچنین استفاده‌کنندگان درون‌سازمانی مانند هیئت مدیره و مدیران، اگر از چگونگی رشد دارایی‌ها را درک درست و صحیح داشته باشند، برای پیش‌بینی وضعیت شرکت‌ها و روند افزایش ثروت سهامداران از یک طرف، و از طرف دیگر روند رشد دارایی‌ها در آینده و تعیین سیاست و پیاده‌سازی برنامه‌ریزی مناسب در موقعیت‌های عملیاتی مختلف، شرایط بهتری خواهند داشت.

در این مقاله، نویسندگان در تلاش هستند تا نظر خواننده محترم را به برخی از عوامل که رشد در دارایی‌ها را ایجاد می‌کنند، دیدگاه‌های مختلف که درباره توضیح و تفسیر رشد دارایی‌ها اشاره و در نهایت معیارهای ارزیابی سیاست مدیریت که به

^۱ Firms Growth

^۲ Shareholders Wealth

^۳ Assets Size

^۴ Financial sources

^۵ Asset Growth

^۶ Internal Users

^۷ External Users

^۸ Investors

رشد دارایی‌ها منجر شود نیز اشاره داشته باشند. این مقاله یکی از سری مقالاتی میباشد که نویسندگان برای معرفی یک شاخص حسابداری و شکاف موضوعات مرتبط با نسبت رشد دارایی‌های شرکت‌ها جهت افزایش آگاهی خوانندگان به طور کلی، و افزایش سودمندی استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری به طور خاص، در تلاش هستند.

عوامل ایجاد کننده رشد دارایی‌ها

بر اساس پرسش‌های ذهنی نویسندگان، سوال‌های که مطرح می‌شود، این است که چه عواملی باعث رشد دارایی شرکت‌ها می‌شود؟ طبیعتاً بر رشد دارایی‌های هر شرکت، عواملی مختلف تاثیر می‌گذارند و باعث افزایش رشد آن می‌شوند؟، تا چه اندازه رشد دارایی‌ها به عنوان شاخص حسابداری^۱ به سهامداران، سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر ذی‌نفعان در اتخاذ تصمیم‌های مناسب و سودمند کمک می‌کند؟. در ادامه رشد دارایی‌ها ناشی از سیاست تامین مالی، رشد دارایی‌ها ناشی از حجم شرکت‌ها و حجم اطلاعاتی^۲ که افشاء می‌شود و رشد دارایی‌ها ناشی از سیاست و عملکرد مدیریت به طور مفصل‌تر مورد بحث خواهد شد.

أ) رشد ناشی از تامین مالی

هدف شرکت‌ها به طور کلی، حد اکثر کردن ثروت سهامداران از طریق افزایش سودآوری^۳ شرکت‌ها و حد اکثر کردن بازده سرمایه‌گذاری^۴ می‌باشد. از آنجاییکه هزینه تامین مالی^۵ آثار متعددی بر بازده سرمایه‌گذاری و ریسک ناشی از

^۱ Accounting Index

^۲ Accounting Information Size

^۳ Profitability

^۴ Return on Investment

^۵ Cost of Capital

آن، روش تامین مالی در فرآیند تداوم فعالیت و شرکت‌ها و سودآوری سرمایه-گذاری از یک طرف، و از طرف دیگر، بر فرآیند رشد شرکت‌ها و دارایی و منابع آن‌ها تاثیر می‌گذارد. تامین مالی ممکن است بلند مدت و یا کوتاه مدت باشد. مدیریت می‌تواند تامین مالی از محل منابع داخلی^۱ (سود انباشته) و یا از طریق منابع خارجی^۲ (انتشار سهام یا بدهی) فراهم نماید (دارایی و اعطایی زاده، ۱۳۹۲، ص ۱). تاثیر تامین مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و رشد دارایی‌ها یکی از موضوعات مهم حسابداری محسوب می‌شود. تامین مالی و رشد دارایی‌ها دو روی یک سکه‌اند، زیرا وجوه حاصل از منابع تامین مالی صرف سرمایه‌گذاری می‌شود که در نهایت به افزایش رشد دارایی‌ها منجر می‌شود، زیرا مدیریت شرکت‌ها تامین مالی مورد نیاز خود را از دو محل فراهم میکنند، از طریق آورده مالکان و روش دوم استقراض^۳ (ایجاد بدهی) است (ابراهیمی و مقدم، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹). رشد دارایی شرکت‌ها، به خصوص دارایی‌های جاری و میانگین موزون هزینه سرمایه^۴ بر رشد ارزش شرکت‌ها تاثیر گذارند، از این رو برای حداکثر کردن ثروت سهامداران و افزایش ارزش شرکت‌ها به مدیریت بهینه روش تامین مالی نیاز است. جهت تامین وجوه نقد مورد نیاز، مدیران با راه‌های مختلفی روبرو می‌شوند. مدیریت اگر توانایی ایجاد ترکیب مالی مناسب از بدهی و سرمایه یا به عبارتی ساختار سرمایه مناسب را داشته باشد، آنگاه قادر خواهد بود هزینه سرمایه را کاهش و در نتیجه ثروت

^۱ Internal Sources

^۲ External Sources

^۳ borrowing

^۴ Weighted average Capital Cost (WACC)

سهامداران را افزایش و متعاقبا رشد دارایی‌ها را نیز افزایش دهد (عباس زاده، نوقانی و فیض آبادی، ۱۳۹۶، ص ۲).

سرمایه‌گذاران و سهامداران به دلیل با اهمیت بودن ارتباط بین اهرم مالی ۱ و سرمایه‌گذاری، باید به موضوع رشد دارایی‌ها نیز توجه لازم داشته باشند. شرکت‌هایی که اهرم مالی بالاتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند، در اکثر مواقع فرصت‌های رشد کمتری خواهند داشت (میرزا ۲، ۱۹۷۷، ص ۱۵۵). زیرا مدیران شرکت‌هایی که تعهد بدهی بیشتری دارند، بدون توجه به ماهیت فرصت‌های رشد، سرمایه‌گذاری کمتری انجام می‌دهند. مشکلی که بر اساس تضاد منافع^۳ بین مدیریت اجرایی و سهامداران شکل می‌گیرد، این است که مدیران معمولاً تمایل دارند اندازه شرکت را بزرگ کنند گرچه منجر به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ضعیف شده و ثروت سهامداران را کاهش دهند. اگر جریان‌های نقدی مازاد^۴ در دست مدیران اجرایی نباشد، توانایی آن‌ها در انجام این کار و رسیدن به آن هدف کاهش می‌یابد. مدیران می‌توانند این محدودیت را با تامین مالی از طریق بدهی برطرف کنند، اما متعاقبا مدیران از محل وجه نقد مجبور به پرداخت اصل تسهیلات و بهره آن خواهند شد (نوروش و یزدانی، ۱۳۸۹، ص ۴۲). از این رو، اهرم مالی ابزاری برای کنترل سرمایه‌گذاری^۵ بیش از حد و یا کمتر از حد مناسب به شمار می‌رود و در نهایت منجر به کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و رشد بهینه دارایی‌ها می‌شود. اگر شرکت‌های زیان‌ده از طریق استقراض تامین مالی نمایند، در آن صورت می‌توانند منابع مالی استقراض شده را در چرخه

^۱ Financial Leverage

^۲ Meyers

^۳ Conflict of Interest

^۴ Surplus Cash Flow

^۵ Investment Control Tools

عملیات خود استفاده نمایند و فروش خود را افزایش دهند تا به این طریق زیان دهی خود را کاهش دهند (بنی مهد و باغبانی، ۱۳۸۸، ص ۶۶). نتایج تحقیق مک کونل و سرواس^۱ (۱۹۹۵) بیان گر این است که افزایش بدهی و به تبع آن افزایش هزینه‌های مالی باعث می‌شود تا مدیران پاداش^۲ کمتری دریافت کنند، این مهم باعث می‌شود مدیران عملکرد شرکت‌ها را بهبود ببخشند و از ورشکستگی آن جلوگیری کنند، در نتیجه، مدیران با اجرای سیاست متناسب با منافع خود از یک طرف و از طرف دیگر، با منافع سهامداران باعث حفظ رشد متناسب هر چند آهسته دارایی‌ها می‌شوند. همچنین نتیجه مطالعه زیتن و تیان^۳ (۲۰۰۷) این بود که استقراض باعث می‌شود، عملکرد شرکت بهبود یابد، طبیعی است اگر عملکرد شرکت‌ها بهبود یابد، به سودآوری می‌رسند و به تبع از آن به افزایش و رشد دارایی‌ها ختم گردد.

(ب) رشد ناشی از اندازه شرکت‌ها و حجم افشای اطلاعات مالی

اندازه شرکت‌ها معمولاً به وسیله میزان دارایی‌های آن‌ها اندازه‌گیری^۴ میشوند، هر چند ابزارهای دیگر نیز وجود دارد که محققان از آن‌ها بهره می‌برند در اندازه‌گیری شرکت‌ها مانند میزان هزینه‌ها، میزان فروش یا میزان تعداد سهام معامله می‌شود در بازار سرمایه است. ادبیات حسابداری نشان می‌دهد که اندازه شرکت‌ها بر بازده تاثیر می‌گذارد. کلین و مارکوآرت^۵ (۲۰۰۶) اشاره کردند که شرکت‌های بزرگ و سودآور به احتمال زیاد نتایج عملکرد آن‌ها به سودآوری بیشتر و یا زیان‌دهی کم‌تر نسبت به سایر شرکت‌ها داشته باشند. شرکت‌های بزرگ معمولاً گروه‌های مختلف

^۱ McConnell and Servaes

^۲ Bonus

^۳ Zeitun and Tian

^۴ Measurement

^۵ Klein and Marquardt

سهامدار دارند که این مهم به افزایش میزان نقدینگی^۱ این شرکتها نسبت به سایر شرکت منجر می‌شود. ریسک تجاری^۲ و عملیاتی^۳ در شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های دیگر کم‌تر است، زیرا معمولاً تنوع محصولاتی بیشتر دارند و سودآوری با ثبات همراه است. تحقیقات نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت‌ها و محتوای اطلاعاتی^۴ اعلام سود رابطه وجود دارد، به عبارتی دیگر، با اعلام سود حسابداری و افشای ارقام حسابداری^۵ قیمت سهام شرکت‌های بزرگ‌تر تحت تاثیر قرار می‌گیرند (روزنامه سرمایه، ۱۳۸۵).

با توجه به توضیح پیش، در اکثر بازارهای سرمایه بین المللی^۶، شرکت‌های کوچک در مورد قیمت سازی و ریسک با سختی‌های بیشتر نسبت به سایر شرکت‌ها مواجه هستند. ریسک سرمایه‌گذاری^۷ در شرکت‌های کوچک (از لحاظ اندازه) بالاتر از ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بزرگ، زیرا شرکت‌های کوچک با برنامه‌ریزی کوچک می‌تواند به درآمدی چندین برابر درآمد قبلی و رشد مضاعف داشته باشد. در حالیکه شرکت‌های بزرگ به تلاش فراوان تا درآمد خود نسبت به سال‌های قبل بالاتر ببرد. به همین دلیل، ریسک در شرکت‌های کوچک بالاتر از شرکت‌های بزرگ‌تر می‌باشد، هرچند ممکن است عامل صنعت نیز در تعیین میزان ریسک شرکت‌ها اثر داشته باشد. این مهم باعث توجه سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بزرگ‌تر جلب شود. از این رو، میزان نقدینگی در دست

^۱ Liquidity

^۲ Business Risk

^۳ Operating Risk

^۴ Information Content

^۵ Accounting Numbers Disclosure

^۶ International Capital Markets

^۷ Investment Risk

شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر خواهد شد نسبت به سایر شرکت‌هاست. و فور عامل مهم نقدینگی و حفظ موقعیت و اعتبار به ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر برای شرکت‌های بزرگ و در نهایت در صورت اجرای برنامه ریزی دقیق و سیاست مناسب به رشد و افزایش دارایی‌های آن شرکت‌ها ختم می‌شود.

افشای کامل^۱ اطلاعات یکی از ابزارهای کمکی که مشکل تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعات^۲ را حل می‌کند. افشای به موقع اطلاعات حسابداری، ابزاری که در اختیار مدیریت جهت کاهش هزینه سرمایه محسوب می‌شود (مشایخی و فرهادی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱). تحقیقات بیان‌گر این است که شرکت‌های بزرگ از سیاست‌های افشای خود منافع بیشتری نسبت به شرکت‌های کوچک بدست می‌آورند (دایموند و ویرچیا^۳، ۱۹۹۱، ص ۱۳۳۲). شرکت‌های بزرگ در افشای اطلاعات خصوصی متحمل هزینه افزایشی کم می‌شوند، اما در مورد شرکت‌های کوچک افشای بیشتر به تحمل هزینه‌های بیشتر از یک طرف، و از طرف دیگر ریسک بالاتر منجر می‌شود. در شرکت‌های کوچک به اندازه ریسک ناشی از بالا بردن سطح افشای اطلاعات خصوصی، احتمالاً بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران کاهش نیابد. از این رو، بالا بردن سطح افشا ممکن است باعث کاهش بیشتر هزینه سرمایه برای شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک شود (مشایخی و فرهادی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹). این مسئله به افزایش نسبت سودآوری بیشتر و در نهایت نسبت افزایش ثروت سهامداران و نسبت رشد دارایی‌های شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک منجر می‌شود (المومنی و محمود حسن، ۲۰۱۱، ص ۳۷۴).

^۱ Full Disclosure

^۲ Information Asymmetry

^۳ Diamond and Verrecchia

ت) رشد ناشی از سیاست و عملکرد مدیریت

مدیریت فرآیند استفاده بهینه از منابع (دارایی) طی برنامه‌ریزی دقیق، سازماندهی منابع انسانی، کنترل و هدایت امکانات موجود برای دستیابی به اهداف سازمانی و رسیدن به هدف حد اکثر کردن ثروت سهامداران که بر اساس دانش روز و هنر رهبری امکان پذیر است. مدیریت دارایی افرآیندی مبنی بر اجرای روش‌های مدیریتی^۲ و تئوری‌های اقتصادی^۳ به عنوان ابزار تجزیه و تحلیل منطقی و اتخاذ تصمیمات عقلایی برای نگهداری، به کارگیری و توسعه دارایی‌ها که در اختیار مدیریت قرار دارند. هدف استفاده از هنر رهبری و علوم مدیریتی، افزایش سود شرکت‌ها و حفظ منافع یک سازمان در جهت پیشبرد اهداف تعریف شده برای آن. سیاست و عملکرد مدیریت به طور ساده همان روش ارزیابی اقتصادی^۴ بودن فرصت‌های سرمایه‌گذاری با به کارگیری اطلاعات موجود، سیستم مدیریت سرمایه-گذاری و اتخاذ تصمیم در مورد انتخاب بهترین گزینه بین فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری.

سرمایه‌گذاری همان تبدیل وجوه مالی به یک یا چند نوع دارایی است که برای زمان آتی نگهداری شوند (شورورزی و آزادوار، ۱۳۸۹، ص ۲). از روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات و عملکرد مدیریت، بررسی رشد دارایی‌های یک شرکت انجام می‌شود. رشد دارایی‌ها در واقع قدرت شرکت‌ها را در انجام سرمایه‌گذاری و رشد مجدد بیان می‌نماید. زیرا رشد دارایی‌های شرکت‌ها به طور اتفاقی رخ نمی‌دهد، بلکه

^۱ Asset Management

^۲ Management Method

^۳ Economic Theory

^۴ Economic Evaluation Method

آن‌ها را باید مدیریت، شناسائی و به وجود آورد. مدیریت نقش مهمی در عملکرد شرکت‌ها دارد. از این رو، مدیریت یکی از عناصر اساسی در نظام مالی شرکت‌ها به حساب می‌آید، به طوری که بر سودآوری و آینده شرکت‌ها تاثیر مستقیمی دارد. مدیریت از مهم‌ترین مسائل پیش روی مدیران شرکت‌هاست که در رشد و بقای شرکت‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند (گیل، بایر و ماذورا، ۲۰۱۰، ص ۴). مدیریت خوب و منظم باعث افزایش ارزش شرکت‌ها و رشد دارایی‌ها می‌شود و همچنین می‌تواند نتایج اساسی به بار آورد که چشم پوشی از آن برای هر شرکتی ممکن است خطرناک باشد.

رشد دارایی‌ها معمولاً به اقدامات استراتژی ۲ نظیر توسعه فعالیت، گسترش سیاست‌های مالی ۳ و ورود به بازارهای جدید جهت تحصیل درآمد ۴ و سود یا کاهش هزینه‌ها بستگی دارد. اصولاً رشد حاصل در دارایی‌ها نشان دهنده مجموعه‌ای از برنامه‌ریزی‌ها و خط مشی‌هاست که در واقع با مرور زمان مرتب تجدید نظر می‌شوند. از طرف دیگر، سوء مدیریت در اداره دارایی‌ها ممکن است هزینه‌های زیادی به شرکت‌ها تحمیل کند. سرمایه‌گذاری بیش از حد لازم در دارایی‌ها می‌تواند موجب تحمل هزینه فرصت از دست رفته شود، از یک طرف، و از طرف دیگر سرمایه‌گذاری کم‌تر از حد لازم در دارایی‌ها نیز ممکن است پر هزینه باشد. مدیران به طور معمول تمایل به رشد شرکت‌ها (دارایی‌ها) دارند، زیرا رشد شرکت‌ها قدرت مدیریت را با افزایش منابع و دارایی‌های تحت کنترل افزایش می‌دهد (بیککی، ۱۹۹۹،

^۱ Gill, Biyer and Mathur

^۲ Strategic actions

^۳ Financial Policies

^۴ Earning

^۵ Bikki

ص ۸). شرکت‌های بزرگ^۱ به وسیله منابع مالی و دارایی‌هایی که در اختیار دارند، با احتمال کمتری در معرض تملک ناخواسته سایر شرکت‌ها قرار می‌گیرند. از این رو، انتظار می‌رود که مدیران قدرتمند، سیاستی و عملکردی داشته باشند که منجر به ادامه افزایش رشد دارایی‌ها در آینده شود (ستوده کیا، عباسی و بصیرت، ۱۳۹۶، ص ۵۷).

معیارهای ارزیابی عملکرد مدیریت که به رشد دارایی شرکت‌ها منجر میشود

در بندهای پیش درمورد عواملی که می‌تواند بر ایجاد رشد در دارایی شرکتها تاثیر گذار هستند، مروری داشتیم. هرچند به ظاهر عامل تامین مالی (انتخاب ساختار سرمایه^۲) و عامل اندازه شرکت‌ها و همچنین حجم افشای اطلاعات مالی با عامل سیاست و عملکرد مدیریت، دو عامل جدا و متفاوت هستند، اما به نظر نویسندگان هر سه عامل ذکر شده باهم یک نکته مشترکی دارند، آن هم رفتار و انتخاب‌های مدیریت^۳ می‌باشد. در واقع سیاست، انتخاب، کنترل و عملکرد مدیریت است که می‌تواند رشد واقعی و متناسب با اهداف سازمان را ایجاد کند. به همین دلیل لازم بود تحقیقاتی انجام شود تا بتوان ابزاری و راهی سودمند برای ارزیابی عملکرد مدیریت ارائه گردد. طی سال‌های اخیر، برای دستیابی به معیارهای مناسب جهت ارزیابی عملکرد شرکت‌ها^۴، ایجاد اطمینان از حرکت شرکت‌ها هم‌سو با منافع سرمایه‌گذاران و فراهم کردن مبنایی برای اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان تلاش‌های زیادی صورت گرفته است. نتایج آن تلاش‌ها نشان داد که معیار حسابداری^۵ مشخص و قابل اتکا که به تنهایی بتواند تغییرات ایجاد شده در

^۱ Big Firms

^۲ Capital Structure

^۳ choices and Behaviors of management

^۴ Firms Performance Evaluation

^۵ Accounting Measure

ثروت سهامداران و رشد حاصل در دارایی‌ها را توضیح دهد و وجود ندارد (حجازی، شایانفر و راست خدیو، ۱۳۹۲، ص ۱۳). مهم‌ترین دلیل این نتایج می‌تواند استفاده حسابداران و قانون‌گذاران حسابداری از فرض بهای تاریخ در اندازه‌گیری ارقام صورت‌های مالی باشد. مشکلی که در حال حاضر در اندازه‌گیری دارایی‌های برخی کشورهای که از مشکل تورم ۱ رنج می‌برند مانند ایران، وجود دارد. اما در مقابل نتایج برخی تلاش‌ها دیگر نیز بیان‌گر این بود که به هر حال شاخص‌های اقتصادی ۲ در این زمینه نقش پررنگ‌تری داشتند (حجازی، شایانفر و راست خدیو، ۱۳۹۲، ص ۱۳). در ادامه به جهت آشنا شدن خواننده با معیارهای ارزیابی عملکرد مدیریت و نتایج به دست آمده از تحقیقات و بررسی‌های صورت گرفته است. به طور کلی، نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده، چهار رویکرد درمورد معیارهای ارزیابی عملکرد مدیریت که به رشد دارایی‌های شرکت‌ها و افزایش ثروت سهامداران منجر می‌شود را ارائه نمود.

(أ) رویکرد حسابداری

در رویکرد حسابداری ۳ ارزیابی عملکرد مدیران و رشد حاصل در منابع (دارایی‌ها) و ثروت سهامداران بر اساس اعداد و ارقام مندرج در صورت‌های مالی (اساسی و یادداشت‌های توضیحی) مانند معیارهای نرخ بازده دارایی‌ها^۴، نرخ تغییر در حجم معاملات^۵، سود، سود هر سهم^۶، نرخ رشد سود^۷، جریان‌های نقد

^۱ Inflation

^۲ Economic Index's

^۳ Accounting Approach

^۴ Return on Assets Rate

^۵ Change in Turnover

^۶ Profit per Share

^۷ Profit Growth Rate

عملیاتی^۱، جریان‌های نقدی آزاد^۲ و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام^۳ که منجر به رشد ثروت سهامداران می‌شود، صورت می‌گیرد.

(ب) رویکرد اقتصادی

در رویکرد اقتصادی^۴ بر اساس مفاهیم اقتصادی^۵ استوار است که با تاکید بر سودآوری دارایی شرکت‌ها و با توجه به نرخ بازده و نرخ هزینه سرمایه^۶ به کار رفته جهت ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد شرکت‌ها و رشد دارایی‌ها، این مفاهیم استفاده می‌شوند. ارزش افزوده اقتصادی^۷، ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده^۸ و ارزش افزوده بازار^۹ در این رویکرد جا گرفته است. معیارهای ارزش افزوده اقتصادی مقیاس‌های اصلی اندازه‌گیری ارزش هستند که نارسایی‌های سایر معیارهای حسابداری را ندارند (مگنی، ۱۰، ۲۰۰۷).

(ت) رویکرد تلفیقی

در رویکرد تلفیقی^{۱۱}، ترکیبی از اطلاعاتی که می‌توان از سیستم‌ها و گزارشهای حسابداری به دست آورد به علاوه اطلاعاتی مانند نسبت کیوتوبین^{۱۲} و

^۱ Operational Flows

^۲ Free Cash Flows

^۳ Return on Equity

^۴ Economic Approach

^۵ Economic Concepts

^۶ Cost of Capital Rate

^۷ Economic Value Added

^۸ Adjusted Economic Value Added

^۹ Market Added Value

^{۱۰} Magni

^{۱۱} Consolidation Approach

^{۱۲} Tobin's Q ratio

نسبت قیمت به سود^۱، به عنوان ابزارهای ارزیابی عملکرد مدیران شرکت‌ها و رشد دارایی‌ها که می‌توان از بازار سرمایه جمع‌آوری نمود، استفاده می‌شود.

ث) رویکرد مدیریت مالی

در رویکرد مدیریت مالی^۲، برای ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد شرکت‌ها، مدیریت و رشد حاصل در منابع مالی که در اختیار مدیران اجرایی است، اغلب ارزیابی عملکرد مدیریت بر تئوری‌های مدیریت مالی^۳ مانند الگوی قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مفاهیم ریسک و بازده سهام تکیه می‌شود. تاکید اصلی در این رویکرد بر تعیین بازده اضافی هر سهم می‌باشد.

دیدگاه‌های تفسیرکننده رشد دارایی‌ها

به طور طبیعی رشد دارایی‌های یک شرکت به رشد آن شرکت منجر می‌شود. در حقیقت رشد دارایی‌ها به افزایش قدرت و توانایی شرکت‌ها در رقابت با سایر رقبا در بازارهای محلی و بین‌المللی و در نتیجه نگه‌داری موقعیت و شرایط اقتصادی مناسب و سودآوری آن شرکت‌ها منجر می‌شود. از این رو، این پژوهش ضروری دانسته نظریه‌ها و دیدگاه‌های تفسیرکننده رشد حاصل در دارایی‌ها را ذکر و بر آن‌ها مروری داشته باشد.

أ) رشد دارایی‌ها از دیدگاه‌های اقتصادی

^۱ Profit/Price Ratio

^۲ Financial Management Approach

^۳ Financial Management Theory

دیدگاه اقتصادی نوین ۱ در تفسیر رشد دارایی‌ها از نظریه مقیاس صرفه‌جویی^۲ استفاده می‌کند. طبق این دیدگاه، مکانیزم‌های بازار باعث ایجاد افزایشی در حجم دارایی‌ها می‌شود، این افزایش تا رسیدن دارایی‌ها به اندازه‌یی که با شرایط داخلی شرکت‌ها و شرایط محیط اقتصادی آن متناسب باشد، یا افول شرکت‌ها ادامه می‌یابد. رشد حاصل در حجم دارایی‌ها^۳ به ایجاد فضای رقابتی در بازار منجر می‌شود. شدت رقابت در بازارها یک فضای آزاد مخصوصاً برای شرکت‌های کوچک و متوسط فراهم می‌سازد (بوصبع، ۲۰۱۴، ص ۱۴۱). در مقابل، شرکت‌هایی که حجم دارایی بالاتر نسبت به سایر شرکت‌ها دارند، به سمت تولید کالا و خدماتی با کیفیت بالاتر و کارایی بیشتر حرکت می‌کنند (پنروز، ۱۹۵۹، ص ۴). در همین راستا، بروک و اوانس^۴، ۱۹۸۶ عدم هماهنگی در حجم دارایی‌های شرکت‌ها را تفسیر نمودند. این اختلاف در حجم دارایی‌ها باعث ایجاد تفاوت در میزان رشد بین شرکت‌ها می‌گردد.

^۱ New Economic Overview

^۲ مقیاس صرفه‌جویی The Economies of scale: مفهومی در [اقتصاد خرد](#) است که به کسب مزیت کاهش هزینه در اثر افزایش حجم تولید اشاره دارد. صرفه به مقیاس به معنای آن است که با افزایش حجم تولید، هزینه متوسط تولید هر واحد کالا کاهش می‌یابد. دلایل متعددی برای این مسئله وجود دارد که شامل مواردی همچون: کسب تخفیف در خرید به دلیل حجم بالای خرید، افزایش تجربه و یادگیری کارکنان، کسب منابع مالی بیشتر، سرشکن شدن هزینه‌های بازاریابی در بازارهای وسیعتر و بهبود فناوری تولید است. آنچه باعث رشد بسیاری از صنایع می‌شود دستیابی به صرفه اقتصادی در مقیاس بزرگتر است. در عین حال وقتی یک یا چند شرکت در صنعتی دارای صرفه به مقیاس هستند اگر شرکت دیگری بخواهد با آنان وارد رقابت شود یا باید تولید را در مقیاس انبوه آغاز کند یا متحمل هزینه زیاد تولید در مقیاس کم شود.

^۳ Assets Size

^۴ penrose

^۵ Brock and Evan

(قانون گیبارت)^۱ در سال ۱۹۳۱ بر اساس نمونه تصادفی از چند شرکت اشاره نمودند که رشد دارایی‌ها و شرکت‌ها مبنی بر انباشت فرصت‌ها و مجموعه‌ای از متغیرهایی مانند سودآوری شرکت‌ها، عوامل تولید و محیط اقتصادی‌ست که در عین اینکه از همدیگر مستقل هستند اما بر رشد دارایی‌ها و شرکت‌ها تاثیر می‌گذارند. ایشان اظهار کردند که برخی از عوامل در ایجاد رشد دارایی‌ها و شرکت‌ها کمک می‌کنند و بعضی دیگر بر کاهش دارایی‌ها و افول شرکت‌ها تاثیر گذارند. در دهه‌ی هشتاد و نود میلادی بر اساس اظهارات گیبارت مطالعاتی صورت گرفته که وجود رابطه مثبت بین حجم دارایی‌ها و رشد آن‌ها را به اثبات رساندند.

(ب) رشد دارایی‌ها از دیدگاه چرخه عمر

با وجود اعتقاد به اینکه مراحل پیشرفت و رشد شرکت‌ها توسط نوشته‌های اقتصاددان آلفرید مارشال^۲ معرفی شده، اما عمر شرکت‌ها^۳ و نیروهای موثر بر آن پس از مطالعه کاندلر^۴ به شکل جدی اهمیت پیدا کردند. کاندلر^۴ ۷۰ شرکت بزرگ آمریکایی را مورد مطالعه قرار داد (وانگ^۵، ۲۰۰۵، ص ۵)، در آن مطالعه توانست استراتژی‌های مختلفی که بر تنظیم آن شرکت‌ها موثر بود و همچنین مراحل پیشرفت و رشد آن شرکت‌ها را نیز شناسائی نماید، و بر این اساس نمونه‌ای از رشد شرکت‌ها بر اساس متغیرهای استراتژی و ساختار تنظیمی ارائه نمود (علاء الدین، ۲۰۰۵، ص ۸۰). اقتصاددان انگلیسی آلفرید مارشال زندگی شرکت‌ها را به پنج مرحله تقسیم کرده است. این مراحل با تولد شرکت‌ها شروع می‌شود و با افول یا عقب نشینی به پایان می‌رسد. هر مرحله ویژگی‌های خاص خود را دارد (وکلوند^۶، ۱۹۹۹، ص ۴۱).

^۱ Gibrat Law 1931

^۲ Alfred Marshall

^۳ Firms Life

^۴ Chandler

^۵ Wang

^۶ Wiklund

دوره رشد دارایی‌ها به دوره رشد در محیط بیولوژیک شباهت دارد. به عبارتی دیگر، می‌توان چرخه عمر دارایی‌ها را به دوره زندگی موجودات زنده تشبیه نمود. همچنین می‌توان چرخه عمر دارایی‌ها را به چند مرحله متوالی تقسیم کرد، که هر مرحله نتیجه وجود مرحله قبل می‌باشد، و دارایی‌ها در هر مرحله با یک سری سختی‌های و مشکلات خاص خود مواجه می‌شوند. هر دارایی در یک زمانی متولد می‌شود و به تدریج رشد و در نهایت بلوغ یا افول را تجربه می‌کند و به کناری گذاشته می‌شود. بحثی که در این زمینه مطرح می‌شود، مدت زمان و استراتژی نگهداری دارایی‌ها و شیوه‌های به پایان رساندن عمر یک دارایی است. برخی از نظریه پردازان توضیح می‌دهند که با فکر کردن و برنامه‌ریزی، قبل از رسیدن به مرحله افول و پایان عمر می‌توان رشد جدیدی را برای دارایی (منبع) رقم زد، اما برخی دیگر نیز اینگونه توضیح می‌دهند که هر بار بلوغ و افول، حتی اگر با خلاقیت، حرکت‌های جدید و نوآوری وارد مرحله رشد جدیدی گردد، عملاً موجود زنده جدیدی متولد شده که ممکن است ویژگی‌هایی را از نسل قبل خود به ارث برده باشد، اما به هر حال هویت جدیدی برای خود ایجاد کرده است.

ت) رشد دارایی‌ها از دیدگاه مدیریت منابع

دیدگاه مدیریت منابع^۲، به عنوان یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌های مدیریت فرض می‌کند که منابع شرکت‌ها یکی از قوی‌ترین ابزارهای رقابت مداوم آنهاست (بوصیع، ۲۰۱۴، ص ۱۴۲). هر مرحله از مراحل رشد دارایی‌های شرکت‌ها به چند خصوصیت از دیگر مراحل متمایز می‌شود، اما یکی از ویژگی‌های مشترک همه آن مراحل، مدیریت دارایی‌ها^۳ می‌باشد که در اختیار مدیریت اجرایی است (گارنسی^۴، ۱۹۹۸، ص ۵۴۲). در مرحله اول، هر شرکتی قبل از شروع به فعالیت، منابع ضروری

^۱ Assets Life Cycle

^۲ Sources management Overview

^۳ Assets Management

^۴ Garnsey

جهت اجرایی پروژه مورد نظر را جستجو می کند. در مرحله دوم شرکت ها اقدام به آماده سازی و تامین منابع مناسب می نمایند. در مرحله سوم شرکت ها، منابع را مستهلک نمی کنند بلکه اقدام به تولید و به دست آوردن آن منابع می کنند. برنامه ریزی طی مراحل ذکر شده می تواند موجب رشد دارایی ها شده و شرکت را در مرحله چهارم کمک نماید (آیریب سیسل ۱، ۲۰۰۹، ص ۱۳). مدیریت رشد دارایی - ها ۲ به مجموعه ای از برنامه ریزی ها و عملیات جهت نگهداری، به کارگیری و توسعه دارایی های یک شرکت گفته می شود. به عبارتی دیگر، مدیریت رشد دارایی ها چارچوبی ۳ برای طراحی و پیاده سازی برنامه های بلند مدت و کوتاه مدت آینده یک شرکت به هدف افزایش سود و منفعت آن شرکت، برای پیشبرد اهداف تعریف شده و افزایش ثروت سهامداران است (وانر ۴، ۲۰۰۱، ص ۵).

خلاصه

در این مقاله، تلاش نویسندگان بر این بود، نظر سرمایه گذاران، سهامداران، حسابداران و مدیران به عوامل و دلایل ایجاد رشد در دارایی شرکت ها را جلب نمایند. دارایی ها در دوران عمر شرکت ها، به احتمال زیاد و به دلایل مختلف رشد می کنند. نظریه های زیاد به تفسیر رشد حاصل در دارایی ها را تفسیر و توضیح دادند. در این مقاله سعی شد تا استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری و گزارش های مالی در مورد تفسیر رشد دارایی ها از دیدگاه اقتصادی نوین، دیدگاه چرخه عمر و دیدگاه مدیریت منابع مروری داشته باشند. طبق تئوری نمایندگی، برخی از مدیران با سهامداران تضاد منافع دارند. از طرف دیگر، تئوری هزینه معاملات در مورد موضوع فرصت طلبی اشاره نمی نماید. طبق دیدگاه آن تئوری برخی مدیران معاملات را برای

^۱ Ayerbe Cecile

^۲ Assets Growth Management

^۳ Framework

^۴ Vanier

حد اکثر کردن منفعت شخصی خود سازماندهی می کنند (حساس یگانه، ۱۳۸۴، ص ۱۲). بازیگران بازار سرمایه در مورد اهداف، رفتار و عملکرد مدیریت در شرکت های دارای رشد باید توجه نمایند، زیرا نکته مشترکی که بین اکثر عوامل و دلایل رشد حاصل در دارایی های شرکت ها، عملکرد و رفتار مدیریت می باشد. بازیگران بازار سرمایه بدون بررسی عواملی که به رشد دارایی های شرکت ها منجر شده، نباید خوش بین باشند، آنان طبق ارزیابی علمی و عقلایی در مورد فرصت های سرمایه گذاری، تصمیم بگیرند.

منابع

- ابراهیمی، سیدکاظم و احمدی مقدم، منصور، (۱۳۹۴)، تاثیر اهرم مالی و محافظه‌کاری شرطی بر ناکارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۲۷، ۱۲۰-۱۰۲.
- المومنی، غازی فلاح و محمودحسن، علی، (۲۰۱۱)، محددات اختیار الهیکل مالی شرکت‌های اعمال: درسه تحلیلیه لشركات قطاع الخدمات المدرجه فی بورصه عمان، دراسات العلوم الاداريه، نسخه ۳۸، شماره ۲، ۳۶۷-۳۷۹.
- بنی‌مهد، بهمن و باغبانی، تهمنه، (۱۳۸۸)، اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان‌دهی شرکت‌ها، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۸، صص ۵۳-۷۰.
- بوصبع، هناع، (۲۱۰۴)، عوامل نمو الشركات الصناعيه الخاصه الجزائريه، درسه تطبيقيه باستخدام نموذج Higgins، مجله كليه العلوم الاقتصاديه و علوم التسيير، ۱۶۵-۱۲۹.
- حجازی، رضوان، شایانفر، سپیده و راست خدیو، انسیه، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه جریانهای نقد آزاد با بازده دارایی، بازده فروش و نرخ رشد سود، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، شماره ۳، ۲۷-۷.
- حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۴)، مبانی نظری حاکمیت شرکتی، حسابداری، شماره ۱۶۸، صص ۵۷-۱۰.
- دارابی، رویا و اعطایی زاده، رضا، (۱۳۹۲)، روش‌های مختلف تامین مالی و مبانی نظری ساختار سرمایه، دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری، گرگان، انجمن علمی و حرفه‌ای مدیران و حسابداران گلستان
- https://www.civilica.com/Paper-CAFM02-CAFM02_120.html
- روزنامه سرمایه، (۱۳۸۵)، اندازه شرکت و نوسان قیمت سهام، روزنامه سرمایه، شماره ۳۱۵، صفحه ۹.
- ستوده کیا، حسین، عباسی، رضا و بصیرت، مهدی، (۱۳۹۶)، بررسی ارتباط غیر خطی مدیریت سرمایه در گردش با عملکرد و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت دارایی و تامین مالی، شماره ۴، ۶۸-۵۱.

شورورزی، محمدرضا و آزادوار، ایمان، (۱۳۸۹)، تجزیه و تحلیل ارتباط میان فرصت‌های سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت‌ها، مجله حسابداری مدیریت، شماره ۶.

عباس زاده، محمدرضا، جباری نوقانی، مهدی و فیض آبادی، ناصر، (۱۳۹۶)، تاثیر محافظه‌کاری بر روی ساختار سرمایه، اولین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت. www.modirconf.com

علاء الدین، زیدان عمرو، (۲۰۰۵)، مراحل و معوقات نمو الشركات الصناعية العائلیة، المنظمة العربیة للتنمیة الاداریة، مصر، شماره ۵، ۸۱-۸۰.

مشایخی، بیتا و فرهادی، سوران، (۱۳۹۲)، تاثیر اندازه شرکت بر رابطه بین کیفیت افشا و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌های گذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، شماره ۱۹، ۱۱۵-۱۰۱.

نوروش، ایرج و یزدانی، سیما، (۱۳۸۹)، بررسی تاثیر اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۲(۲)، ۴۸-۳۲.

Ayerbe, Cecile, Berasconi, Michel, (2009), Creation et croissance des jeunes entreprises innovantes, Strategies de croissance, Dirige par Meier Olivier, Paris, edition Dunod, p 13.

Bikki, Jaggi, Ferdinand, (1999), An analysis of joint effect of investment opportunity set, free cash flow and size on corporate debt policy, Review of Quantitative Finance and Accounting, 12, 371.

Brock, W, Evan, D, (1986), The economic of small business: Their role and regulation in the U.S economy, Holmas and Meier: New York. 1986.

Diamond, D., Verrecchia, R., (1991), Disclosure, Liquidity and the cost of Capital, The Journal of Finance, Vol. 46, No.4, 1325-1359.

Garnsey, Elizabeth, (1998), Proximity and Complexity in the emergence of high technology industry: the oxbridge comparison, Geoforum(science Direct), volume 29, issue 4, 533-450. [https://doi.org/10.1016/S0016-7185\(98\)00022-0](https://doi.org/10.1016/S0016-7185(98)00022-0)

Gill, Amarjit, Biger, Nahum, Mathur, Neil. (2010), the relationship between Working Capital Management and Profitability: Evidence from the United States, Business and Economics Journal, vol. 2010, 1 - 9.

Klein April & Marquardt Carol (2006) , Fundamentals of Accounting Losses, The Accounting Review, Vol. 81, No. 1, pp. 179-206

McConnell, J. and Servaes, H. (1995), Equity Ownership and the Faces of Debt, Journal of Financial Economics, vol. 27, pp. 595-613.

Meyers, S., (1977), Determinants of corporate borrowing, Journal of Financial Economics, 5,147-175